خراسان رضوی

صفحه آخر

پنج‌شنبه
۲۵ شهریور ۱۳۹۵
۱۳ ذی الحجه ۱۴۳۷
۸ صفحه / شماره ۳۳۸۴

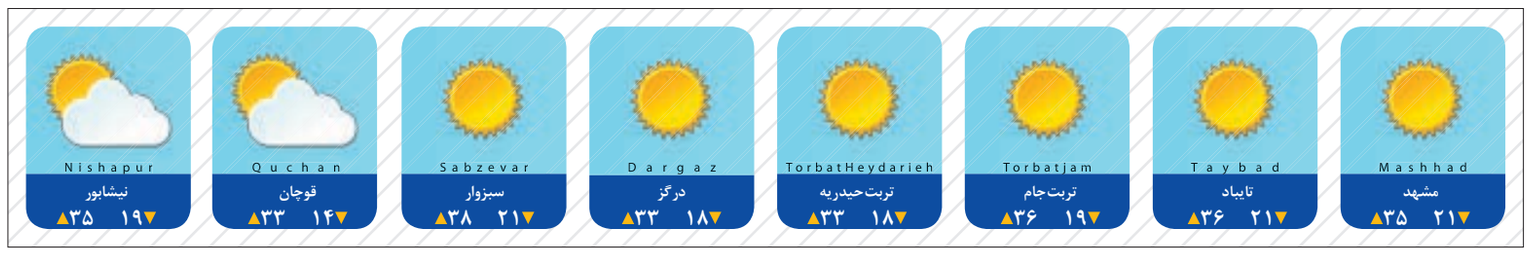

حکمت روز

امام صادق(ع)

کسی که نیّت درست داشته باشد، دل سالم و پاک دارد، زیرا سالم داشتن دل از وسوسه های شیطانی به سبب خالص گردانیدن نیّت در همه کارها برای خداوند است.

مصباح الشریعه، ص۵۳

شاعران خراسان قدیم

مولانا

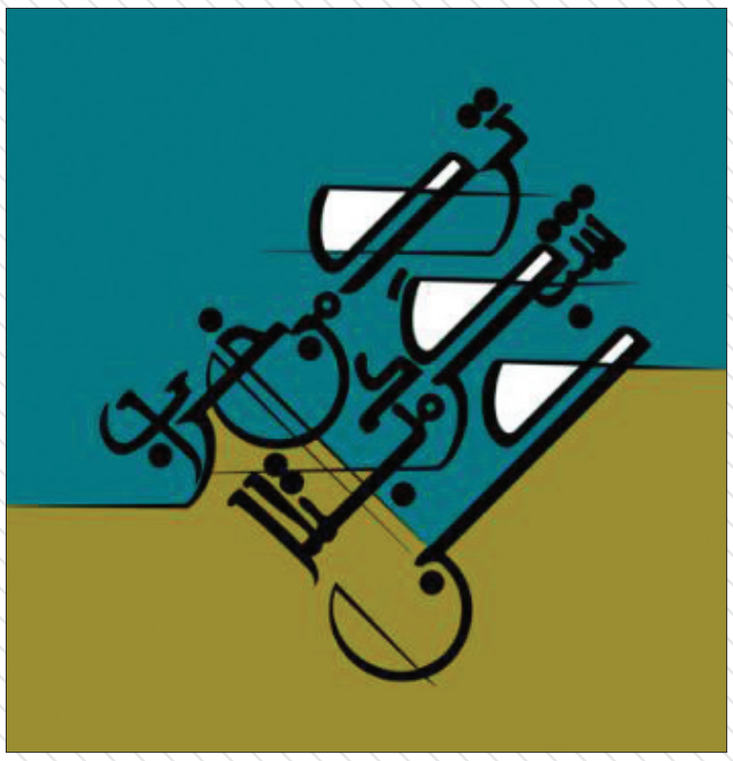

پلخمون باز

طنز

* «وانت ندرن؟» چیست؟
جمله ای است که ای روز امهمان‌ها در منازل کسانی که اینترنت ندرَن، به کار مُبرَن!!!
* واااااااا، نت ندرن؟؟
شمار نمدنوم، ولی همه ایناییی که زنگ خانه مارِ مزنن اسماشان یا مویومه یا باز کن!
* سعدی بعد از دیدن اتاق مو:
جمع نمی‌شود دگر، آنچه تو می پراکنی
* یگ پنج هزار تومنی گذاشتُم زیر فرش که یادم بره بعدها پیداش کُنم خوشحال بشُم!
الان ۳ ماهه از فکرش بیرون نمی‌یام!

* رفیق مخ دلنگونُم، گلوش چرک کرده بود، پرسید: چیکار کُنُم خوب بشُم؟
خواستُم بُگم آب نمک غرغره کن حواسُم نبود گفتم آب قند غرغره کن
بنده خدا یگ هفتس کلا نمتونه صحبت کنه
دکتر گفته مجرای تنفسیش شکرک بسته
* همساده‌مان گربه شِه گم کرده، ۳۰۰ هزار تومن مژدگانی مِده به کسی که پیداش کنه!
اون وقت با بام مِگه اگه تو گم بشی، خانَمان عوض مُکُنم که پیدا نشی!
اصلا محبت تو خانه ما موج مِزنه!

تنور

عمو شاطر

تسهیلات خرید نیسان آبی برای نخبگان مشهدی!

شهرداری مشهد در اقدامی شایسته از نخبگان آزمون سراسری ۱۳۹۵ مشهد تجلیل کرد

راه بلد

شهر زیبا و تاریخی «خرو» می تواند مقصد یک سفر کوتاه خانوادگی باشد

سفری به پایتخت لواشک

حالا که تب تابستان فروکش کرده و خنکای پاییز ریخته به تن روزهای آخر شهریور، می شود دل از شلوغی شهر کند، بی خیال کار و بار شد و سری چرخاند سمت طبیعت. این وسط اگر شما هم عاشق لواشک هستید و با دیدن انواع آن دلتان غنج می رود، توصیه می کنیم، این آخر هفته، «خرو» را مقصد سفرتان قرار دهید. در این شهر که خیلی ها آن را پایتخت لواشک نام داده اند، شاهد برداشت آلو هستیم. اما این شهر کوچک زیبا و طبیعت باشکوهش، ویژگی های متعددی دارد که آن را متمایز می سازد.

چطور برویم؟

«خرو» در ۲۰ کیلومتری شرق شهر نیشابور و به فاصله ۲ کیلومتری از مسیر جاده ارتباطی به مشهد مقدس قرار گرفته است.

چی می بینیم؟

در بافت تاریخی «خرو»، می توانید آثاری از معماری صد سال پیش ایران را ملاحظه کنید. ارتفاعات سرسبز آن و آبشارهای اطراف آن نیز گوشه ای از طبیعت دیدنی کوهپایه بینالود را به نمایش می گذارد. شما می توانید از ارتفاعات اطراف، باغ های پیرامونی اش را ببینید. خرو، دارای بافت روستایی با معماری پلکانی است و دورنمای آن با باغ های سرسبزش از تپه های اطراف، قاب خوبی برای عکاس است.

آبشارهای پُرآب: «خرو» دو آبشار دارد؛ آبشار «رودمیان» که آب رودخانه رودمیان را به این محدوده می رساند و آبشار «ششو» که حاصل پیوند ۶ رود کوچک به یکدیگر است.

مسیرهای مارپیچ: برای رفتن به ییلاق، یک راه پیچ در پیچ کوهستانی، شما را به ییلاقات جنوبی بینالود مثل «زشک» و «دهبار» وصل می کند. اگر اهل کوهنوردی سبک و پیاده روی هستید، می توانید در یک برنامه چند ساعته از مسیر کوهستانی خرو، با طبیعت دیدنی بینالود از نزدیک آشنا شوید.

باغ های پربار: باغداری، مهم ترین و رایج ترین فعالیت اهالی این منطقه است. باغ های فراوان آلو، سیب، گیلاس، گردو و همچنین تاکستان های فراوان، از جلوه های کم نظیر «خرو» به شمار می رود.

دیگه چی داره؟

در این محدوده یک گذرگاه قدیمی است که بنا بر مستندات تاریخی، قوم تاتار پس از به چنگ آوردن توس، برای دستیابی به نیشابور، از این گذرگاه راهی شدند و مردم خرو، جانانه در برابر مغول های خونخوار ایستادگی و جانفشانی کردند. این جاده کوهستانی چشم نواز که از میان باغ ها، رودها و کوه ها می گذرد، ارتباط دشت های شمال رشته کوه بینالود را با دشت نیشابور برقرار می سازد.

سوغات چی بیاریم؟

علاوه بر آلو، ریواس «خرو» هم معروف است. اهالی خرو از ریواس، شربت هم می گیرند که آن هم علاقه مندان فراوانی دارد. قالیچه های دستباف و سبدهای حصیری از دیگر سوغاتی های شهر خرو است. خلاصه از سفر به این منطقه زیبا دست خالی برنمی گردید.

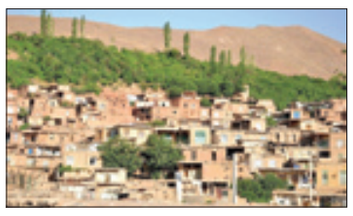

یادداشت

یحیی آل اسحاق

وزیر اسبق بازرگانی و رئیس پیشین اتاق بازرگانی تهران

بخش خصوصی «حاشیه» متن اقتصاد است

جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد ایران تاریخچه طولانی دارد. قبل از انقلاب این بخش در دست عده‌ای خاص و در چارچوبی انحصاری بود، یعنی دربار و اطرافیان آن‌ها و شعاع نزدیک به دربار و مراکز قدرت بودند که در اقتصاد حضور تعیین کننده داشتند؛ بعد از انقلاب هم در ابتدا برای مدتی همین روند ادامه یافت و سپس شرایط جنگ تحمیلی و ذات اقتصاد جنگ باعث شد تا تمرکز مراکز تولیدی و اقتصادی در دست دولت برای هدایت جنگ، جزو ضرورت‌ها به شمار آید و بعد هم ادامه مدل‌ها و الگوهای مختلف اقتصادی را شاهد بودیم، اما آنچه از مجموع این رویکردها حاصل آمده باعث شده است تا بخش خصوصی چه قبل و چه بعد از انقلاب به‌صورت فراگیر در عرصه‌های کلان اقتصاد کشور حضور نداشته باشد، یعنی کلان‌های اقتصادی طی این ادوار، صاحبانی دیگر داشتند؛ در قبل از انقلاب، در دست عده‌ای از وابستگان دربار بود و در زمان جنگ در دست دولت و بعد از جنگ هم حدود هفتاد تا هشتاد درصد در دست دولت. لذا بخش خصوصی همواره در واحدهای کوچک و متوسط و تبعی و زنجیره‌های بعدیِ تولید بوده است و در این خصوص، حرکت پیشران‌ها و جریانات دولتی یا شبه دولتی نقش موثر داشته‌اند. در چند سال اخیر و با بیانات مقام معظم رهبری در مورد فعال شدن بخش خصوصی در حوزه‌های اصلی اقتصاد، امید می‌رفت که این جریان معیوب اصلاح شود. متاسفانه با وجود فرامین و عزم مسئولان، بنا به گفته مدیرانِ مرتبط، آن حجمی از اقتصاد که خصوصی‌سازی شدَ، حدود ۱۵ درصد و حداکثر ۲۰ درصد بوده است و همچنان بخش خصوصی به عنوان رکن اصلی در اقتصاد حضور ندارد. در واقع اصل ۴۴ همچنان به کندی عملی می‌شود. مسئله دیگر، خود بخش خصوصی است که می‌خواهد مسئولیت قبول کند پس باید توانمند شود تا بتواند ارکان اقتصاد را تحویل بگیرد زیرا این بخش تجربه‌ای از حضور واقعی در اقتصاد نداشته است. یکی از ضرورت‌های این امر، توانایی‌های مالی و ارتقای نظام بانکی و پولی کشور در جهت حمایت از بخش خصوصی است. می‌دانید که ما کشوری بانک‌محور هستیم و در چنین وضعی جهت‌گیری‌های نظام بانکی نقش عمده‌ای دارد. دولت یازدهم در الگوی اقتصادی‌اش بخش تولید و صنایع را به دو گروه تقسیم کرده است: یکی صنایع پیشران و دیگری صنایع تبعی. صنایع پیشران مانند پتروشیمی و فولاد و خودروسازی و به طور عمده واحدهای بزرگ است که اغلب دولتی و شبه دولتی‌اند و اساسا الگوی دولت، حمایت اولیه از این واحدهاست و با این استدلال که اگر این واحدها رشد و توسعه پیدا کنند نقششان در توسعه، نقش پیشران خواهد بود و سپس زنجیره‌ها و واحدهای بعدی به تبع آنها رشد خواهند کرد. لذا دولت تمام همتش را روی توسعه این بخش گذاشته و عمده‌ترین تسهیلات بانکی را به آن اختصاص داده است، مثلا بانک مرکزی در سال ۹۴ اعلام کرد حدود ۴۳۰ هزار میلیارد تومان به این بخش تسهیلات داده است. آنچه از این مبلغ به بخش صنایع کوچک و متوسط یعنی واحدهای غیر پیشران اختصاص یافته، کمتر از ۱۰ درصد است. در صورتی که ۹۴ درصد از واحدهای تولیدی ما که از وزارت صنایع و معادن مجوز بهره‌برداری دارند واحدهای کوچک و متوسط هستند و ۵۰ درصد از اشتغال کشور و ۳۳ درصد از تولید ملی ما مربوط به همین واحدهاست، همچنین حدود ۵۰ درصد از سرمایه‌گذاری کشور را همین واحدها انجام دادند و همزمان بزرگ‌ترین مشکلات هم برای آنها وجود دارد. بنا به اعلام وزارت صنایع، تعطیلی این واحدها حدود ۷۸۰۰ واحد اعلام شده است. در واقع اگر واحدهای کوچک تولیدی اصناف را هم اضافه کنیم، این رقم دو برابر می‌شود. بنابراین بزرگ‌ترین مشکل بخش خصوصی این است که در حاشیه است و هنوز به متن نیامده است. با این حال، هزینه‌های مالی، فشارهای بیمه و مالیات و تعزیرات مختلف هم گریبانگیر همین بخش است و از همه مهم‌تر در زمینه فروش محصولات نیز با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. یعنی انبارهای این واحدها مملو از کالاهایی است که با هزینه‌های گران تولید شده‌اند و بازار فروش ندارند. چرا؟ دلایل مختلفی دارد؛ یکی پایین بودن سطح فناوری آنهاست، چون دانش‌بنیان نیستند و از فناوری قدیمی استفاده می‌کنند و عمدتا قدرت رقابت با واحدهای بزرگ را ندارند. اتفاقا مسئله اینجاست که همین واحدهای بزرگ که باید به رشد واحدهای کوچک کمک کنند، عملا رقیب واحدهای کوچک به حساب می‌آیند. مثلا در فولادسازی که قریب به اتفاق واحدهای تولیدی به آن نیاز دارند، واحدهای بزرگ فولاد، رقیب و انحصارگر خود این بخش خصوصی هستند، در صورتی که باید زنجیرهای مکمل یکدیگر باشند، اما فرایند «انحصار» این اجازه را نمی‌دهد. در همین مذاکرات بعد از پسابرجام که انتظار می‌رفت بدنه اقتصاد کشور پویا شود، عمده توجهات به سمت خودروسازی و پتروشیمی و واحدهای بزرگ معطوف شد و واحدهای کوچک حتی در معرض ملاحظه هم قرار نگرفتند. همچنین عدم حضور شایسته در بازارهای جهانی به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه‌های بالای نمایشگاه‌ها و جلب حمایت‌های حقوقی و قانونی و تبلیغاتی از جمله مواردی است که باعث شده است بخش خصوصی عملا در صحنه حضور نداشته باشد. تاریخ اقتصاد دنیا هم نشان می‌دهد که، اقتصاد نباید در دست یک عده و جریان محدود فرادستی و به صورت انحصاری باشد، اگر اقتصاد بدنه‌اش فراگیر نباشد، نتیجه‌اش همین وضعیت نابهنجار است. اما راه حل نجات اقتصاد از این شرایط در این است که اقتصاد فراگیر باشد و از انحصار بیرون بیاید.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

عکسی قدیمی از بلیت های هواپیما مربوط به سال ۷۵. در آن سال‌ها هواپیماسواری گویا آن قدرها گران نبوده و با دوهزار و ده تومان می‌شد، پرید.

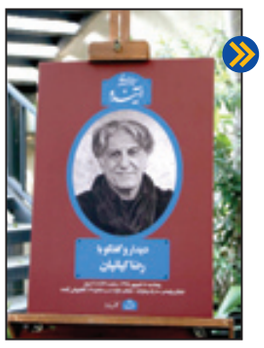

امـا رضا کیانیـان که اخیرا در نشسـت شـب‌های بخارا حضـور یافته بود، خاطره‌ای تعریف کرده اسـت، از بسـتری که او را به نویسندگی علاقه‌منـد کرد: «سـال سـوم دبیرسـتان در گـروه نمایش برادرم، فعالیت داشـتم. چیزی را که همیشـه، برادرم از ما می خواسـت این بود که می گفت: هر حرفی دارید بنویسـید! من، شفاهی قبول نمی کنم! اگر نقدی به نمایش دارید بنویسید! خوشتان آمده یا مخالف آن بودید، بنویسید! هر چه می خواهید، باید بنویسید! و ما یاد گرفتیم، بنویسیم.» او نکته جالبی هم بیان کرده از علاقه‌اش به روشنفکری آن هم صرفا با عینکی شدن: «آن دوره هم به هر حال دوره‌ای بود که اگر در فضای روشنفکری بودیم و کتاب نمی خواندیم و نخوانده بودیم، طرد می شدیم. به خوبی به یاد دارم که در کلاس سوم دبیرستان که بودم، همهٔ روشنفکران عینک می زدند و من نیز با اینکه چشمانم سالم بود اما مدام به پدرم می گفتم که من در زمان درس خواندن، دچار ناراحتی چشم شده‌ام. پدر، مرا نزد دکتر خانوادگی مان برد. دکتر گفت که می خواهد فقط با من صحبت کند و پرسید که دوست داری عینک بزنی؟ گفتم نه! چشمانم مشکل دارد! گفت بسیار خب من یک عینک برایت می نویسم که شماره نداشته باشد.»

خداداد عزیزی فوتبالیست پیشکسـوت مشـهدی، اخیـرا در مصاحبـه‌ای بـا «ورزش۳» با همان صراحت لهجه معمول خود از امروز و دیـروزش گفته اسـت. او جایی در میانـه خاطراتش می گوید که چطور به خاطر پوشـیدن دمپایـی از تیـم ملی حذف شده است: «من را به خاطر پوشـیدن دمپایی و به بهانه بـی احترامی خط زدند. از آن زمان بـه بعد ۱۹ ماه دعوت نشـدم؛ من در آلمان بازی می کردم اما به تیم ملی دعوت نمی شدم! یک روز جلال طالبی به تمرین کلن در آلمان آمد و گفت سوء تفاهم ها برطرف شده و برگرد. من هم گفتم سـوء تفاهمی ندارم، دعوتم کنید، می آیم. بعد فهمیدم که سـوء تفاهمی در کار نبوده، قرار دادی با فدراسیون آمریکا برای حضور در تورنمنت امضا شده بود که آمریکایی ها گفته بودند اگر در مسابقات خداداد، علی دایی و کریم باقری باشند، ما ۸۰۰ هزار دلار پرداخت می کنیم. خلاصه رفتم و بازی کردم و مشکلی نبود».

خراسان به روایت خراسان

۲۵ شهریور سال ۱۳۲۹

تصادف در شکه علی سورچی مقابل قنادی اتحاد

۶۶ سـال پیـش در چنیـن روزی، روزنامـه «خراسان» نوشت:

۹۰۰ نفر به مدرسه‌ها جلب شدند!

مقدمات تعلیمات اجباری در شهر نیشابور، با جدیت آقای طوسی، رئیس فرهنگ، فراهم و مرتباً اطفـال لازم التعلیم که در سـن ۶ تا ۱۰ سالگی قرار دارند به دبستان هدایت می شوند و تا کنون، ۹۰۰ نفر به دبسـتان ها جلب شده اند و ضمناً با کوشش فراوان، به کلیه محصلین بی بضاعت، کتاب و لوازم التحریر، مجاناً داده شده است و با کمک شهرداری، مشغول تهیه لباس برای اطفال مستمند هستند.

موزه و صحن حرم، لوله کشی شد

به منظور رفاه و آسایش عموم اهالی مشـهد و زائریـن آسـتان قـدس رضـوی، شـهرداری موافقت کرده است که آستان قدس از چاه واقع در فلکه خیابان تهران [فلکه برق] که به وسیله خود شـهرداری حفر شـده اسـت، لوله کشی نموده، آب را به موزه صحنین برساند.
چند روز پیش لوله کشی آب مزبور خاتمه یافت و آب چاه نامبرده مورد استفاده قرار گرفت.

تصادف روبه‌روی شیرینی فروشی اتحاد

پریروز سـاعت ۹ و نیم شـب، مقابل شـیرینی فروشی اتحاد، اتوبوس شهری شماره ۲۷۵ به رانندگی شریف‌زاده، با درشکه شماره ۱۸۹ به رانندگی علی سورچی تصادف کرد.
در اثر تصادف، درشکه مذکور وارد پیاده رو شد و اسب‌ها به زمین افتادند و به ویترین مغازه ها آسـیب جدی وارد آمد. علی سورچی هم روی زمین افتاد و دست و پایش مجروح شد. کسبه محل وی را به بیمارسـتان منتقـل کردند و در حال حاضر وضعیت وی رضایت بخش اسـت. قضیه در دست بررسی است.

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱